

تأثیر بدهیهای مالی بر آینده اقتصادی کشورهای عربی

عبدالرضا همدانی

پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه

جهان عرب با دوگانگی اقتصادی

شدید مواجه است. در یک سمت، کشورهای

قراردارند که درآمدهای کلانی داشته و

بخش اعظم ثروت خویش را در ایالات متحده

و یا اروپا سرمایه گذاری نموده اند و در سمتی

دیگر کشورهای پر جمعیت اما کم درآمندی

قرار گرفته اند که نیازمند سرمایه خارجی

هستند و اغلب از کشورهای ثروتمند و یا

سازمانها و بانکهای بین المللی استقراض

می کنند. دارایی کشورهای عرب

خلیج فارس در ماورای بحار در حدود ۱٫۴

تریلیون دلار برآورد شده است. پژوهشگاه علوم

با وجود این طبق آخرین آمارهای

منتشره از سوی صندوق بین المللی پول،

به جز عراق که بیش از یک دهه است مورد

تحریم و مجازات بین المللی واقع شده،

سیزده کشور عربی موظف به بازپرداخت

بیش از ۱۵۶ میلیارد دلار به سازمانها و یا

کشورهای وام دهنده به این کشورها

می باشند. این سیزده کشور عبارتند از:

۱. الجزایر:

از سال ۱۹۸۰ و در نتیجه افزایش

میزان وام گیری از سوی دولت الجزایر، تحول

الگوی توسعه و افزایش حجم واردات کالا،

بدهیهای این کشور بیشتر شد، به طوری که

هم اکنون این کشور با ۲۷٫۵ میلیارد دلار

بدهی در صدر کشورهای عربی

قرار گرفته است.

۲. مصر:

تا قبل از جنگ خلیج فارس در سال

۱۹۹۱ مقدار بدهیهای مصر به ۵۰ میلیارد

دلار می رسید، اما به دنبال بخشش ۵۰

درصد این بدهیها از سوی کشورها و

سازمانهای وام دهنده، مقدار بدهیهای این

کشور به ۲۸٫۷ میلیارد دلار کاهش یافت.

مصر هم اکنون موفق شده است تا بخش

دیگری از این بدهیها را براساس جدول زمان

بندی شده باز پس دهد.

۳. سوریه:

به دلیل قرار گرفتن سوریه در منطقه

بحرانی خاورمیانه، سرمایه گذاریهای اندکی

در این کشور صورت گرفته است. ضمن اینکه

دولتمردان سوری با صندوق بین الملل پول، موافقتنامه ثبات پولی را به امضا نرسانده اند و در نتیجه سوریه موفق نشده است تا با کسب ضمانتهای این صندوق وامهای بیشتری اخذ نماید. عوامل فوق الذکر در کنار کسری تراز بازرگانی موجب شده است تا بدهی سوریه به ۱۸٫۳ میلیارد دلار برسد.

بدهیهای این کشور در حدود ۱۶٫۹ میلیارد دلار برآورد می شود و میانگین رشد اقتصادی نیز بسیار اندک می باشد اما به دلیل اینکه چندی پیش در این کشور، نفت در حجمی قابل صدور استخراج شد، این امیدواری ایجاد شده است که تراز بازرگانی سودان بهتر از گذشته شود.

۴. مغرب:

۶. تونس:

اختلافات مرزی مغرب با همسایگانش و عدم تفاهم موجود میان این کشور و اسپانیا در زمینه امضای موافقتنامه ماهی گیری موجب بروز مشکلاتی در مناسبات اقتصادی این کشور با دیگر کشورها شده است. همین امر باعث شده است تا مغرب برای بازپرداخت وامهای خویش که تاکنون به بیش از ۱۷٫۵ میلیارد دلار رسیده است با معضلاتی مواجه شود.

مجموع بدهیهای تونس در حدود ۱۱٫۶ میلیارد دلار می باشد. این کشور تلاش کرده است با امضا پیمان همکاری تجاری با اتحادیه اروپا سیاست اقتصادی منضبطی را در پیش گیرد اما هنوز به دلیل قوانین داخلی بازارهای این کشور برای مبادلات بازرگانی به طور کامل گشوده نشده است. ضمن اینکه به دنبال حوادث یازدهم سپتامبر به صنعت گردشگری این کشور ضربه های جدی وارد آمده و درآمدهای این بخش حیاتی را کاهش داده است.

۵. سودان:

۷. اردن:

تأخیر سودان در بازپرداخت وامهای خود به صندوق بین المللی پول منجر به متوقف شدن همکاری این صندوق با دولت سودان شد. هم اکنون اگرچه مجموع

با اشغال کویت توسط عراق و حمایتهای پادشاه پیشین اردن از عراق،

بسیاری از اتباع اردنی که در کشورهای عربی خلیج فارس اقامت داشتند، مجبور به بازگشت به اردن شدند و در نتیجه از درآمدهای ارزی اردن که به وسیله این اتباع به اردن ارسال می شد به شدت کاسته و اقتصاد اردن دچار رکود شد. بدهیهای این کشور هم اکنون بالغ بر ۷,۳ میلیارد دلار است، اما دولت اردن که معاهده همکاری تجاری با کشورهای مدیترانه ای را امضا نموده و نیز با صندوق بین المللی پول به توافقاتی در زمینه بازپرداخت وامها دست یافته است، امید دارد که طی دهه نخست قرن بیست و یکم بخش عمده بدهیهای خود را بازپرداخت نماید.

۱۰. سلطان نشین عمان:

این کشور علیه ارتش اشغال گر اسرائیل در جنوب لبنان ضربه های مهلکی بر اقتصاد این کشور وارد آورده است. ولی با توجه به کوششهای صورت گرفته از سوی مقامات سیاسی و اقتصادی این کشور امید می رود که بدهی ۵ میلیارد دلاری لبنان هرچه سریعتر باز پرداخت شود.

عمان تنها کشور عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس است که با حدود ۳,۱ میلیارد دلار بدهی خارجی مواجه می باشد.

۱۱. سومالی:

این کشور حدود ۲,۲ میلیارد دلار

۸. یمن:

این کشور در رده کم توسعه ترین کشورهای دنیا قرار دارد و هنوز هم با مشکلات داخلی متعددی روبه روست. بدهیهای خارجی یمن ۵ میلیارد دلار می باشد.

۱۲. موریتانی:

در این کشور برنامه توسعه ملی به اجرا درآمده است اما به دلیل عدم مدیریت صحیح تاکنون بدهی خارجی موریتانی به ۱,۵ میلیارد دلار رسیده است.

۹. لبنان

جنگ داخلی لبنان و مقاومت مردم

اغلب کشورهای جهان سوم و از جمله

کشورهای عربی با بحران تورم رکودی، که در گذشته برای چند کشور صنعتی به وقوع پیوسته بود، مواجه شده اند. با توجه به اینکه بیشتر کالاها و محصولات کشورهای عربی به کشورهای صنعتی صادر می شود، از نیمه دوم دهه نود قرن گذشته میلادی بعضی از این کشورهای صنعتی از حجم واردات خود از کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای عربی کاستند که همین امر باعث شد تا این کشورها با کسری تراز بازرگانی مواجه شوند و تولیداتشان راهی برای صادرات پیدا نکند.

مجموع بدهیهای جیبوتی نیز ۳۵۶ میلیون دلار می باشد. پایین بودن میانگین رشد اقتصادی، افزایش دهکهای فقیر در هرم جمعیتی، رکود اقتصادی و پیروی از سیاست اصلاحات اقتصادی مهمترین متغیرهایی است که باعث شده است تا کشورهای عربی به اخذ وام از کشورهای بزرگ یا سازمانها و مؤسسات پولی بین المللی روی آورند، اما دریافت وام نیز این کشورها را با مشکلاتی مواجه کرده که عبارتند از:

الف: تأثیر پذیری از نرخ دلار

کشورهای عربی برای مقابله با فشارهای مالی ناشی از باز پرداخت وامها تاکنون به آسانترین شیوه ها یعنی تمدید و به تعویق انداختن زمان باز پرداخت وام متوسل شده اند. این اقدام اگرچه در کوتاه مدت موجبی برای مقابله با این وضعیت شد اما به نظر می رسد کشورهای عربی باید پولهای ملی خود را به جای متکی ساختن به یک ارز یعنی دلار آمریکا به یک سبد از پولهای رایج بین المللی نظیر یورو، ین و پوند مرتبط نمایند.

باتوجه به اینکه سیستم پول بین المللی بر مبنای دلار می باشد، با افزایش بهای دلار، هزینه واردات کالا و سود وامهای دریافتی، بر اساس پول ملی این کشورها نیز افزایش می یابد، همچنین اگر از ارزش دلار کاسته شود از درآمدهای ناشی از صادرات کالانیز کاسته خواهد شد و این کشورها با معضل بازپرداخت اصل و بهره وام مواجه می شوند.

ب: بحران تورم و رکود اقتصادی

ج: سهولت دریافت وام از بانکهای بین‌المللی

بانکهای معتبر بین‌المللی که محل سپرده‌گذاریهای کلان کشورهای صنعتی و نفت خیز می‌باشند، به دلیل حجم عظیم نقدینگی خود، شرایط آسانی را برای دریافت وام وضع نموده‌اند به طوری که نرخ بهره پایین و مدت زمان طولانی بازپرداخت وام که از سوی این بانکها مقرر شده موجب تشویق دولت‌ها برای اخذ وام‌های کلان می‌شود اما از آنجا که معمولاً برای استفاده صحیح از این وام‌ها، برنامه ریزی مناسبی از سوی دولت‌های عربی صورت نمی‌گیرد، برای مدتی این دولت‌ها با کاهش فشار روبه‌رو می‌شوند اما چنین وضعیتی اصل قضیه را منتفی نمی‌سازد. از این رو به نظر می‌رسد که دولت‌های عربی باید متناسب با تواناییهای خود به انباشت پس‌انداز، سامان‌دهی واردات و تنوع بخشیدن به صادرات همت گمارند تا زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی فراهم گردد. گام مهم دیگری که باید مورد عنایت و توجه ویژه کشورهای عربی قرار گیرد، تشکیل یک بازار اقتصادی مشترک عربی می‌باشد. بسیاری از کشورهای عربی

به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس سرمایه‌های مالی کلانی در اروپا و آمریکا دارند که اگر بستر مناسبی برای بهره‌گیری از این سرمایه‌ها در کشورهای عربی که به لحاظ زیربنایی پتانسیل قابل ملاحظه‌ای برای فعالیتهای اقتصادی دارند، صورت گیرد، وضعیت بدهیهای کشورهای عربی دچار تحول خواهد شد.

در این راستا صندوق عربی پول می‌تواند کارکرد ویژه‌ای داشته باشد. ضمن اینکه کشورهای عربی باید با همکاریهای وسیع و پی‌گیر، موانع تشکیل مناطق آزاد تجاری عربی نظیر تعرفه‌های گمرکی، قوانین تجاری داخلی و دیگر موارد را برطرف نمایند تا راه برای توسعه هدفمند و پایدار در جهان عرب، فراهم شود. هم‌اینک از سوی شورای اقتصادی - اجتماعی عربی وابسته به اتحادیه عرب، زمان تأسیس منطقه بزرگ تجارت آزاد عربی سال ۲۰۰۵ تعیین شده است. این شورا موافقتنامه‌ای را به اتحادیه عرب ارائه نموده است که تاکنون ۱۴ کشور عربی آن را امضا کرده‌اند. طبق این موافقتنامه، کشورهای عربی می‌توانند برخی از کالاهای صنعتی و نیمه صنعتی خود را